

صورت‌انگاری معرفت و تأثیر آن در نظریهٔ محاکات با بررسی تحلیلی – توصیفی اندیشهٔ فارابی

ابراهیم بازرگانی*

دانشجوی دکتری حکمت هنر دینی

چکیده

فارابی علم را حصول صورت نزد ذهن یا عقل میدانند و محاکات را نیز بعنوان نظریهٔ هنری قلمداد میکند که هنرمند از طریق تصویر انجام میدهد. بنابراین، «صورت» نقطهٔ اتصال میان دو نظریهٔ معرفت‌شناختی و فلسفی – هنری او قلمداد میگردد؛ بدون وجود صورت، از یکسو علم محقق نمیشود و از سوی دیگر محاکات ابتر میماند. این جستار بر آنست تا با روش تحلیلی – توصیفی به درک رابطهٔ میان نظریهٔ شناخت و نظریهٔ هنری فارابی دست یابد و بدین منظور موارد زیر را اهدافی میدانند که بترتیب منطقی در اندیشهٔ فارابی قابل پیگیری است:

(۱) دستیابی به نظریهٔ شناخت

(۲) کشف نظریهٔ محاکات و آشکارسازی محتوای

این نظریه

(۳) فهم رابطهٔ ایندو نظریه

(۴) اثبات این نکته که نظریهٔ محاکات صرفاً مبتنی بر

نظریهٔ صورت‌باورانهٔ معرفت امکانپذیر است.

کلیدواژگان

بازنمایی علم محاکات

نظریهٔ شناخت فارابی نظریهٔ هنری فارابی

مقدمه

در معرفت‌شناسی، فیلسوفان مسلمان علم را حصول صورت در ذهن یا عقل میدانند. محاکات نیز عملی است که هنرمند از طریق تصویر انجام میدهد. با این فرض، دو نظریهٔ فوق از طریق صورت بهم گره میخورند و بدون وجود صورت، از یکسو علم محقق نمیشود و از سوی دیگر بازنمایی ابتر میماند. بازنمایی بر انعکاس و بازتابی استوار است که صورت ذهنی انجام میدهد. بعبارت دیگر:

۱. در ذهن هر انسان، تصویر یا مفهومی وجود دارد حاکی از یک واقع نفس‌الامری که مطابقت صورت/مفهوم را با آن واقع علم و عدم مطابقت را، جهل (مرکب) مینامند.

۲. هنرمند از طریق اثر هنری صورتی را که در ذهن دارد انعکاس میدهد. این صورت اگرچه مخلوق هنرمند است، بازنمایی ویژگی ذاتی آن است.

۳. براساس نظریهٔ فارابی، بازنمایی یعنی انعکاس عالم بیرون و درون.

در نتیجه برای شکلگیری نظریهٔ بازنمایی باید صورت‌باوری در معرفت را زیربنا قرار داد.

*.Email: ab19277@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۴/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۵